

پرسش ۴۲۲: سوالاتی در مورد محاسبه و خداوند و کسانی که هلاک نمی‌شوند.

السؤال / ۴۲۲ : بسم الله الرحمن الرحيم

السلام والصلاة على قائم آل محمد ويمانهم الموعود أول المهديين وأول المؤمنين وزينة الأولين والآخرين سيدي ومولاي أحمد الحسن(ع).

سؤال / ۴۲۲: بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و صلوات بر قائم آل محمد و یمانی موعود، اول مهديين و اول مومنين و زينت اولين و آخرين، آقا و مولایم احمد الحسن(ع).

بسم الله الرحمن الرحيم (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) ([57]).

بسم الله الرحمن الرحيم (خداوند هیچ نفسی را بیش از توانایی‌اش تکلیف نکرده است آن‌چه به دست آورد برای اوست و برعلیه اوست، پروردگارا بر ما زنجیر مَبْنَد همان‌طور که بر کسانی که پیش از ما بودند انداختی، پروردگارا آن‌چه ما طاقت‌اش را نداریم بر ما حمل مکن و از ما درگذر و ما را ببخش و به ما رحم کن تو سرور مایی، پس ما را بر قوم کافر پیروز گردان) ([58]).

سیدی، صدر هذه الآية ينفي التكليف بما هو خارج الوسع، وفي وسطها ضمن الدعاء الوارد في الآية قوله تعالى: (رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ) فما هو مراده تعالى من قوله هذا؟؟

آقای من، ابتدای آیه تکلیف خارج از توان را نفی می کند، و در وسطش این دعاء وارد می شود: (پروردگارا بر ما آنچه که توانش را نداریم، تحمیل مکن) و منظور خداوند از این کلام چیست؟؟

۲- ما تفسیر قوله تعالى: (رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا)، وهل الإنسان يؤاخذ على النسيان؟

۲- تفسیر فرموده خداوند متعال که می فرماید: (پروردگارا اگر ما فراموش کردیم یا خطاء نمودیم، ما را مواخذه مکن)، چیست و آیا انسان به خاطر فراموشی مواخذه می شود؟

۳- عن منصور بن حازم، قال: (قلت لأبي عبد الله (ع): إن الله أجل وأكرم من أن يعرف بخلقه، بل الخلق يعرفون بالله، قال: صدقت). سيدي ما هو مراده (ع) من هذا الحديث؟

س ۳: منصور ابن حازم گوید به امام صادق (ع) عرض کردم خداوند بالا و والاتر از آن است که بوسیله خلقت شناخته شود بلکه این خلق او هستند که بوسیله او شناخته می شوند! فرمودند درست گفتی!

مولای من (سید احمد الحسن ع) منظور و مفهوم این حدیث از امام صادق (ع) چیست؟

۴- سيدي من لطفك بين ما هو المراد من قول أمير المؤمنين: (رأته القلوب بحقائق الإيمان)

الوارد في هذا الحديث: عن أبي عبد الله (ع)، قال: (جاء حبر إلى أمير المؤمنين (ع) فقال: يا أمير المؤمنين، هل رأيت ربك حين عبدته؟ فقال: ويك ما كنت أعبد رباً لم أره، قال: وكيف رأيته؟ قال: ويك لا تدركه العيون في مشاهدة الأبصار، ولكن رأته القلوب بحقائق الإيمان).

۴- آقای من به بزرگواری خودتان، مقصود این کلام امیر المؤمنین (ع) را برای ما بیان کنید: (قلبها با حقیقت ایمان او را می بینند).
در این حدیث آمده است که: اَبی عبد الله (ع) می فرماید: (عالمی خدمت امیر المؤمنین (ع) رسید و گفت ای امیر مؤمنان: پروردگارت را هنگام پرستش او دیده‌ئی! فرمود: وای بر تو! من آن نیستم که پروردگاری را که ندیده‌ام بپرستم، عرض کرد: چگونه او را دیده‌ای؟ فرمود: وای بر تو دیدگان هنگام نظر افکندن او را درک نکنند ولی دل‌ها با حقایق ایمان او را دیده‌اند).

۵- (لَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) [59]. وجه الله الإمام (ع) حسب ما جاء عنكم أهل البيت، سيدي ما المقصود من قوله تعالى هالك؟ وبعبارة أخرى ما مراده تعالى من هلاك الأشياء؟

۵- (با خداوند، الهی دیگر را مخوان، هیچ الهی غیر او نیست هر چیزی به غیر وجه او هلاک می‌شود، حکم برای اوست و به سوی او باز می‌گردند) [60] وجه خداوند همان امام علیه السلام است، با توجه به روایاتی که از شما اهل بیت علیه السلام آمده است، آقای من، منظور از هالك در کلام خداوند متعال چیست؟ و به عبارتی دیگر منظور خداوند از هلاکت اشیاء چیست؟

۶- (يخرج المهدي من قرية يقال لها كربة) [61]. سيدي بجودك وكرمك بين لي رأيك الشريف في هذا الحديث وما المراد منه وفيه.

۶- (امام مهدی (ع) از روستایی به نام کرعه خارج می‌شود) [62]. آقای من به بزرگواریتان نظر شریف‌تان را در مورد این حدیث بیان کنید.

۷- قد ورد في بعض الروايات وصف المهدي بأنه شاب موفق صلوات ربي عليه، فهل لي أن أسأل مولاي عن توضيح هذا الوصف؟

۷- در بعضی روایات وارد شده که مهدی به جوانی موفق توصیف شده است، و آیا می‌توانم از شما توضیح این وصف را مسألت کنم؟

۸- سیدی، قد بقیت علی ایمانی و یقینی بقیة بل بقایا، فأرجو أن تفضل وتمن علیّ بمساعدة روحیة تکمل بها ایمانی وتجعل الحق والحقیقة فی قرارة نفسی مستقرة لا أحول عنها ولا أزول بمنك وجودك وحلمك علیّ، فهبني لابتداء كرمك وسالف برك بي يا سیدی، مع اعتذاري لسوء أدبي وجسارتي علی سیدی، سیدی أترانی ما أتيتك إلا من حيث الآمال، أم علقت بأطراف حبالك إلا حين باعدتني ذنوبي عن دار الوصال، فبئس المطیة التي امتطت نفسي من هواها، فوهاً لها لما سولت لها ظنونها ومناها، وتباً لها لجرأتها علی سیدها ومولاها.

۸- آقای من، بر ایمانم باقی ماندم و یقینم یک پس مانده‌های در آن مانده، امیدوارم که بر من تفضل و منت نماید و مرا کمک روحی کنید که ایمانم با آن کامل شود و حق و حقیقت را در نفسم مُستقر نماید، که با منت و بخشش شما بر من از آن دست برندارم، ای آقای من، به لطف بخشش و نیکی بر من عطا کن، و به خاطر بی‌ادبی و جسارتم بر آقا عذرخواهی می‌کنم، آقای من، آیا می‌نگری به خاطر آرزوها به سمت شما آمدم، یا به اطراف ریسمانت چنگ زدم مگر هنگامی که گناهانم مرا از سرزمین وصال دور کرده است، چه بد مرکبی از هوای نفس است که نفسم دارد، وای بر او چون گمان‌ها و آرزوها آن را زینت داده است، و وای بر آن به خاطر جراتش بر آقا و مولا.

وأرجو من مولاي وأبي الرحيم الشفيق الرفيق اليماني أن يذكرني عند ربه، وأن يجعلني من باله وفي دعائه، وأن يغفر لي ظلمي وجرمي وإسرافي على نفسي وتقصيري معه ومع أبيه الإمام المهدي (عليهما السلام). والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

ولدکم الجاهل

المرسل: الشيخ الحلي - العراق

و از مولا و پدر مهربانم یمانی خواهش دارم که مرا نزد پروردگارش یاد نماید، و مرا در دعایش بیاد آورد، و ستم و جرم و اسراف بر نفسم و کوتاهی با ایشان و با پدرش امام مهدی (علیهما السلام) را ببخشد. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

فرزند جاهل شما

فرستنده: شیخ حلی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

ج س ۱-۲: قال تعالى: (لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) [63].

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

ج س ۱-۲: خداوند متعال می فرماید: (و آن چه در آسمان ها و آن چه در زمین است، برای خداوند است و اگر آن چه درون تان است را آشکار نموده و یا مخفی نمایید، خداوند به واسطه آن، شما را محاسبه می کند پس برای هر که بخواهد می بخشد و هر که را بخواهد عذاب می کند و خداوند بر هر چیزی تواناست) [64].

هذه الآية كما هو واضح فيها أن الله يحاسب على ما يضر في الأنفس، أي إن أضر الإنسان شراً يحاسب عليه، فالله بين أن هذا الأمر ليس خارجاً عن قدرة الإنسان، أي إن الإنسان بحسب فطرته والقدرة

المودعة فيه يمكنه أن يكون خيراً دائماً ولا يضر شراً، فهو يمكن بحسب فطرته أن يكون ممن فتح الله لهم، (إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا)، فلا يكون للشيطان نصيب حقيقي فيه أو في نواياه وأفعاله، ولكن مع أن هذا الأمر في حدود قدرة الإنسان فإننا نجد خارجاً عن سعة وطاقة أكثر بني آدم، ليس بسبب نقص في فطرتهم فرضه الله عليهم، بل بسبب تقصير منهم هم أنفسهم، وبالتالي فالله يقول في الآية التي أتيت بها وفقك الله إن هذه المحاسبة التي تكون على ما في النفس من نوايا قد رفعت عن عامة الناس فلا يكلف الله الناس إلا بحسب وسعهم وطاقاتهم التي عليها أكثرهم وإن كانوا مؤمنين، وهذا تخفيف عن الناس، ويعني أن الله يحاسبهم على قدرة هي في الحقيقة دون قدرتهم الحقيقية المودعة فيهم.

همان طور که از آیه روشن است، خداوند هر آن چه در نفس انسان پنهان است، محاسبه می کند، یعنی اگر انسان شری را پنهان کند آن را محاسبه می کند، و خداوند معلوم نموده که این مسئله از دایره توانایی انسان خارج نیست، یعنی انسان با توجه به فطرت و توانایی که در اوست، می تواند که خیر دائمی بوده و هیچ شری را پنهان نکند، و به واسطه فطرتش می تواند از کسانی باشد که خدا برای آن ها فتح نمود (همانا ما برای تو فتح و گشایشی آشکار نمودیم)، و برای شیطان بهره ی حقیقی در وی و یا در نیات و افعالش نخواهد داشت، ولی با این که این مسئله در دایره قدرت انسان است اما ما این را خارج از توان و طاقت بیشتر مردم می بینیم، و این به خاطر نقص در فطرت آن ها که خدا برایشان قرار داده نیست، بلکه به سبب تقصیر خود آن هاست، و در آخر خداوند در آیه ای که آوردی -وفقك الله- می فرماید: این محاسبه که بر نیت هایی که در نفس خواهد بود از بیشتر مردم برداشته شده، و خداوند مردم را مگر بر حسب توان و طاقتی که بیشتر مردم دارند مکلف می کند هر چند که مومن باشند و این تخفیفی برای مردم است، و به این معناست که خداوند در حقیقت آنان را بر قدرتی محاسبه می کند که کمتر از قدرتی است که در وجود آنان داده است.

قال تعالى: (عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ) أي يحاسب الله الإنسان على الشر الذي صدر منه بالفعل وليس فقط نواه، أي إنه سبحانه يحاسب الإنسان على الشر إذا نواه وصدور منه، ولا يحاسبه فقط على أنه نواه ولم يتمكن من إنفاذه، أو إنه فعل شراً دون نية الفعل المسبقة.

خداوند متعال می فرماید: (عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ) یعنی خداوند انسان را به خاطر شری که از وی صادر شده مورد محاسبه قرار می دهد و نه فقط نیت و قصد وی، یعنی خداوند انسان را نسبت به شری محاسبه می کند که نیت آن را داشته و از او صادر شده باشد، و نسبت به کاری که نیت آن را دارد ولی توانایی انجام آن را ندارد، مورد حساب قرار نمی دهد، یا این که کاری انجام دهد ولی قبلش نیت انجام دادن آن را ندارد..

(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ).

(خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند. آنچه [از خوبی] به دست آورده به سود او، و آنچه [از بدی] به دست آورده به زیان اوست. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار؛ همچنانکه بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن.)

فقوله تعالى: (رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ... وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ): يبين أن لكل إنسان وسع وقدرة هو حددها - أي الإنسان -

بعمله وسعیه، فالمفروض به أن یطلب من الله أن یغفر له تقصیره ونسیانه - أي تركه وإغفاله - لأوامر الله.

و فرموده خداوند متعال که می فرماید: (پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر ... و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن)، این روشن می کند که برای هر انسان توانایی و قدرتی است که خود انسان با عمل و سعی خودش آن را مشخص نموده است، بر اوست که از خداوند بخواهد که به خاطر کوتاهی و فراموشی او - یعنی ترک و غفلت او - نسبت به دستورات خدا درخواست بخشش نماید.

(رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا) وَأَيْضاً يُطَلَبُ أَنْ يَكُونَ امْتِحَانُهُ بِحُدُودِ وَسْعِهِ وَقُدْرَتِهِ وَإِنْ كَانَ دُونَ السَّعَةِ وَالْقُدْرَةِ الْمَوْدَعَةِ فِي فِطْرَتِهِ، وَإِنْ كَانَ سَبَبُ ذَلِكَ تَقْصِيرَهُ هُوَ، فَلَوْ كَلَفَهُ اللَّهُ فَوْقَ حُدُودِهِ أَيْ خَارِجَ وَسْعِهِ وَقُدْرَتِهِ - الَّتِي هِيَ وَبِسَبَبِ تَقْصِيرِهِ دُونَ الْقُدْرَةِ الْحَقِيقِيَّةِ الْمَوْدَعَةِ فِي فِطْرَتِهِ - سَيَفْشَلُ وَيَخْسِرُ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِالْتَالِي يَكُونُ هَذَا الدَّعَاءُ هُوَ غَايَةُ الْحِكْمَةِ بِالنِّسْبَةِ لِمَنْ خَسِرَ شَيْئاً وَلَا يَرِيدُ أَنْ يَخْسِرَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ لَأَمْ هُمْ مَعْظَمُ بَنِي آدَمَ، (وَلَا تُحْمَلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ).

(پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر) هم چنین درخواست نماید که امتحانش به اندازه توانایی و قدرتش باشد، هرچند توانایی او پایین تر از از توانایی و قدرتی که در فطرتش نهاده شده باشد، و هر چند علت آن کوتاهی خود اوست، و اگر خداوند بالاتر از حدودش او را تکلیف کند، همه چیز را یعنی خارج از توانایی و قدرت او - چیزی که به خاطر کوتاهی اوست، کم تر از قدرت حقیقی که در فطرت او نهاده شده است - شکست می خورد و همه چیز را از دست می دهد، در نتیجه این دعا به نسبت فردی که مقداری زیان دیده و می خواهد بیشتر زیان نکند که آن ها بیشتر فرزندانی آدم

هستند، نهایت حکمت است، (و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن).

ج س ۳: الله يُعَرِّف نفسه بخلقه، وليس أن خلقه يُعرِّفون به هذا هو معنى الحديث.

ج س ۳: خداوند خودش را به وسیله آفریدگانش می شناساند (معرفی می کند)، نه اینکه خلقش او را معرفی می کنند، این معنای حدیث است.

أي لو قلنا إن الله يُعَرِّف بحججه (ع)، وحجج الله هم المعروفون بالله، فالمراد هو أن الله عَرَّف نفسه لبقية خلقه بهم لا أنهم عَرَّفوا به.

یعنی این که اگر گفتیم خداوند بوسیله حججش شناخته می شود و حجج الهی بوسیله خدا معرفی می شوند، مراد این است که خداوند بوسیله حججش خودش را به بقیه خلقش معرفی کرده (یعنی حجج الهی واسطه بودند برای یادآوری و معرفی خدا به خلقش) نه اینکه آنها (خودشان مستقلا) خدا را معرفی کردند (پس معرفی کننده اصلی خود خداوند می باشد که خودش را بوسیله آنها معرفی می کند)

فهم وجه الله الذي واجه به خلقه، أي إنه هو الذي واجه خلقه بهم ليعرف لا أنهم من أنفسهم أو بأنفسهم يُعرفون بالله.

آنان وجه الله هستند که به واسطه آنها با آفریده هایش روبرو شد، یعنی خداوند است که به وسیله آنها با آفریده هایش روبرو شد، تا شناخته شود، نه اینکه حجج الهی از پیش خودشان و بوسیله خودشان (مستقلا) خدا را معرفی کنند (یعنی آنها صرفا واسطه هستند که خداوند بوسیله آنها خودش را معرفی می کند وگرنه خود آنها هم او جل و علا

نمی‌شناختند که فرمود قبل از این که وحی شود ما کنت تدری ما الكتاب و لا الايمان!).

فإذا كان الأمر كذلك كانت حقيقة الأمر أنهم ليس لهم من الأمر من شيء فهو سبحانه أراد أن يُعرف فخلقهم وعرّف بهم وعرّف نفسه بهم.

پس در این صورت حقیقت امر این است که چیزی از امر (معرفت پروردگار) برای حجج الهی نیست (یعنی آنها مستقلاً کاره‌ای نیستند). پس خداوند سبحان خواست که شناخته شود پس آنها را (حجج الهی را) خلق کرد و آنها را (به خلقش) معرفی کرد و خودش را بواسطه و بوسیله آنها (به خلقش) معرفی کرد.

أما حقيقة هذه المعرفة وكيف تكون فستجده وما تقدم بتفصيل أكثر إن شاء الله في كتاب تفسير سورة التوحيد وهو في طريقه للنشر إن شاء الله.

اما حقیقت این معرفت را و این که کیفیتش چیست، ان شاء الله بتفصیل در کتاب تفسیر سوره توحید که در دست انتشار است، خواهید یافت.

ج س ۴: رؤيته سبحانه هي المعرفة، وقد تكلمت عنها سابقاً، ولكن إن شاء الله ستجد الأمر مفصلاً في تفسير سورة التوحيد، وبما أنه سينشر قريباً فلا داعي أن أعيد الكلام هنا خاصة أنه طويل وفقك الله.

ج س ۴: دیدن خداوند سبحان همان شناخت است، و در مورد آن قبلاً سخن گفتم، ولی ان شاء الله این مسئله را به صورت مفصل در کتاب تفسیر سوره توحید خواهی یافت، و به این خاطر که به زودی منتشر می‌شود، دلیلی وجود ندارد که این جا سخن را تکرار کنم، چون طولانی است. خداوند به تو توفیق دهد.

ج س ۵: قال تعالى: (وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ) ([65]).

ج س ۵: خداوند متعال می‌فرماید: (و در صور دمیده می‌شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است بیهوش در می‌افتد، مگر کسی که خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و به ناگاه آنان بر پای ایستاده می‌نگرند) ([66]).

الذين لا يهلكون هم من كانوا حقاً وجه الله الذي واجه به خلقه، كرامة لهم وكرامة للاسم الأعظم الذي حملوه في قلوبهم النيرة بنوره سبحانه وتعالى، فهو لاء لا يهلكون ولا يفنون أبداً؛ لأنهم اختاروا الباقي سبحانه على أنفسهم، فطوبى لهم وحسن مآب، وهم وفقك الله ليسوا فقط محمد وآل محمد (ص) فالباب مفتوح - قبل وبعد مجيئهم (ص) - لكل إنسان ليكون وجه الله فلا تقصروا وتضيعوا حظكم، فالباب مفتوح والفرصة سانحة والخاسر من خسر نصيبه من هذا الفضل العظيم، طوبى لمن اختاروا ويختارون الله سبحانه على أنفسهم، أولئك هم المتقون حقاً.

افرادی که هلاک نمی‌شوند، کسانی هستند که واقعاً وجه الله هستند که با آنان با آفریدگانش رو به رو گردید، به خاطر کرامت آنان و کرامت اسم اعظمی که آن را در قلب‌های نورانی‌شان - به واسطه نور خداوند سبحان و متعال - حمل کردند، و آنان هستند که هلاک نمی‌شوند و اصلاً از بین نمی‌روند، چون آنان خداوند باقی سبحان را بر خودشان انتخاب نمودند، خوش به حال آنان و چه بازگشت خوبی! و آنان - خداوند شما را توفیق دهد - فقط محمد و آل محمد (ع) نیستند - قبل و بعد از آمدن آن‌ها (ع) - درب برای هر انسانی باز است تا وجه الله شود، کوتاهی نکنید و بهره (نصیب) خود را ضایع نکنید، و درب باز است و فرصت خوبی است، و زیان دیده فردی است که بهره‌اش را از این فضل بزرگ از دست بدهد، خوشا به حال افرادی که خداوند سبحان را بر خودشان اختیار و برتری دادند، آنان پرهیزگاران حقیقی هستند.

أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُوَفِّقَنِي لخدمَتِكُمْ جَمِيعاً، وَأَنْ يَجْعَلَكَم مِنَ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ لَا يَهْلِكُونَ وَلَا يَمُوتُونَ، بَلْ يَبْقَوْنَ بِبَقَاءِ مَنْ اخْتَارَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عُلُوّاً كَبِيراً.

از خداوند می‌خواهم که مرا برای خدمت همه شما موفق نماید، و شما را جزو پرهیزگاران قرار دهد که هلاک نمی‌شوند و نمی‌میرند، بلکه آنان با باقی ماندن افرادی که خداوند سبحان و متعال و بزرگ را انتخاب کردند باقی می‌مانند.

(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ * فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتْقَابِلِينَ * كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ * يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ * لَا يُذوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * فَضلاً مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ * فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ) [67].

أحمد الحسن ربیع الأول / ۱۴۳۱ هـ

(به راستی پرهیزگاران در جایگاهی آسوده (اند)، در بوستان‌ها و کنار چشمه‌سارها. پرنیان نازک و دیبای سِتبر می‌پوشند (و) برابر هم نشسته‌اند. چنین (خواهد بود) و آن‌ها را با حوریان درشت چشم همسر می‌گردانیم. در آنجا هر میوه‌ای را (که بخواهند) آسوده خاطر می‌طلبند. در آنجا جز مرگ نخستین، مرگ نخواهند چشید و (خدا) آن‌ها را از عذاب دوزخ نگاه می‌دارد. (این) بخششی است از جانب پروردگار تو. این است همان کامیابی بزرگ. در حقیقت، [قرآن] را بر زبان تو آسان گردانیدیم، امید که پند پذیرند. پس مراقب باش، زیرا که آنان هم مراقبند) [68].

أحمد الحسن ربیع الأول / ۱۴۳۱ هـ



[57] - البقرة: 286.

[58] - بقرة: 286.

[59] - القصص: 88.

[60] - قصص: 88.

[61] - كتاب كشف الغمة في معرفة الأئمة - للاربلي: ج 3 ص 241.

[62] - كتاب كشف الغمة في معرفة الأئمة - اربلي: ج 3 ص 241.

[63] - البقرة: 284.

[64] - بقرة: 284.

[65] - الزمر: 68.

[66] - زمر: 68.

[67] - الدخان: 51 - 59.

[68] - دخان: 51 - 59.